

دنیا از نظر اسلام

درست است که اسلام دنیا را با تمام جنبه‌هایش هدف عالی و نهایی قرار نداده و زهد در آنرا از اعلام کمال و از عوامل سعادت انسان شمرده است .

و این مطلب هم طبق دستورات اسبیل اسلامی صحیح می‌باشد که زندگی دنیا جنبه استقلالی ندارد و مقدمه‌ایست برای رسیدن بیک زندگی وسیع و جاویدان و با تبیین روایات گذرگاهی است برای وصول به حیات ابدی .

و همچنین مذمت دنیا بعنوان فنا و زوال و تشبیه آن بگیاهی که از زمین می‌روید و سپس زرد و خشک می‌شود و مطالبی از این قبیل ، در آیات قرآن و کلمات پیشوایان اسلام جای تردید و گفتگو نیست اما جان کلام اینجا است که شیوع پاره‌ای از مکتهای فلسفی مبنی بر بیدینی بجهان هستی و سوءظن بگردش روزگار و همچنین وقایع نفع و عوامل اجتماعی خاصی که در طول چهارده قرن بر جوامع اسلامی گذشت و پاره‌ای از علل دیگر سبب شد که نظر اسلام در باره بسیاری از مطالب منجمله دنیا ، بطرز نامتولی تشریح و تفسیر گردد و در نتیجه موضوعی که با ضرر فکری و نوع توجه مردم به مسائل زندگی و روابط اقتصادی و اجتماعی بستگی داشت در اثر همین سوء تمبیر از عوامل اساسی شب ماندگی ، بیچارگی ، ذلت ، تخدیر و لاقیدی ملت مسلمان بشمار آمد .

متأسفانه بازترین و متداولترین موضوعیکه بنام اسلام بعنوان پند و اندرز در ذهن مردم جای گرفته همین توسیه ترك دنیا و رهائی از مظاهر آن و کناره گیری از زیباییها و خوشیها و لذتهای آن می‌باشد .

* * *

ماها نظر که در مقدمه این بحث (در شماره اول) یاد آور شدیم دست از وضع موجود شسته و علیرغم تبلیغات ناموزونی که تا بحال صورت گرفته و برخلاف طرز فکر «درک ناصحیح

اغلب نسبت به دنیا : مستقیماً سراغ متون اسلامی رفته و با کنار گذاشتن پیرایه‌های گمراه کننده این موضوع را از نظر آیات و روایات مورد بررسی قرار میدهند :

دنیا از نظر قرآن

در قرآن مجید اسالت و موضوعیت دنیا و مظاهر آن انکار شده و کسانی که دنیا را منتهای آرزوی خود قرار داده و بهرندگانی محدود و فناپذیر این عالم را سی و مطمئن گشته و از آخرت و زندگانی همیشگی چشم پوشیده‌اند انتقاد شده و آنها را مردمانی کوتاه فکر و غافل معرفی کرده و چنین میفرماید :

* از کسانی که بر آن پشت کرده و به جز زندگی دنیا با اندازه سطح علمی کوتاه خود طالب نیستند و بگردان (۱)

* آنها نیکه بقاء ما امید ندارند و به زندگی دنیا راضی شده و آرام گرفته‌اند ، از

نشانه‌های ما غافلند . (۲)

* آیا بجای آخرت به زندگی دنیا راضی شده‌اید ، در حالیکه دنیا نسبت با آخرت

اندکی بیش نیست . (۳)

* آنها که زندگی دنیا را با آخرت خریدند ، باید قتال کنند در راه خدا (۴)

* دعای از مردم هستند که فقط از دنیا نصیب می‌خواهند و در آخرت بهره‌ای ندارند (۵)

* دعای گفتند زندگی همین زندگانی دنیا است و ما بر آن کبخیخته نخواهیم شد و ما را

ملائی کند مگر روزگار ! (۶)

* رها کن آنها نیکه دین خود را بیازی و سرگرمی گرفتند و زندگانی دنیا آنها را

فرب داده است (۷)

* کسانی که ایمان پیدا و روز جزا ندارند دنیا را بعنوان منتهای آرزوی خود بر-

میکنند و زندگی دنیایی را بر حیات ابدی و باقی ترجیح میدهند و بان شاد هستند و حال آنکه

آخرت بهتر و باقی‌تر است ، اینها تنها ظاهری از زندگی دنیا را مشاهده میکنند و از آخرت

(۱) سوره النجم آیه ۳۰

(۲) سوره یونس آیه ۱۰

(۳) سوره توبه آیه ۳۸

(۴) سوره بقره آیه ۸۶ - سوره نساء آیه ۷۴

(۵) سوره بقره آیه ۲۰۰ (۶) سوره مؤمنون آیه ۳۷ - سوره جاثیه آیه ۳۴

(۷) سوره اعراف آیه ۵۱ - سوره انعام آیه ۷۰

(بقیه در صفحه ۱۶)

(بقیه از صفحه ۱۵) غافلند، جایگاه اینها جهنم و بدبختی است (۱).

* آنها که طالب زندگی دنیا بودند آرزوی مقام و موقعیت قارون را داشتند. بتها در زندگی دنیا بجای خدا بدوستی برگزیدند، کسیکه خواهان بهره دنیا است با خواهم دادولی از آخرت بهره‌ای ندارد (۲).

* * *

اگر خوب در این آیات تدبیر کنیم خواهیم یافت که قرآن مجید از کسانی سرزنش میکند که ارزش انسانی خود را تا سرحد علائق مادی تنزل داده و نیروهای خود را در چهار دیواری جسم و جسمانیات محدود ساخته و از زندگی معنوی غافل گشته‌اند.

بنا بر این، اساس این مذمتها و انتقادهای حلوگیری از انحصار علائق و غرائز در زندگی محدود دنیا میباشد که لیاقت آنرا ندارد که غایت آمال بشر گردد و انسان بان دلخوش و راضی شود تا آنجا که با آخرت و جهان ابدی توجهی نداشته باشد.

روی این حساب این مطلب هم خود بخود روشن میگردد که دوستی و علاقه بدنیاید و مذموم نیست بلکه بد، منحصر ساختن محبت دنیا و مظاهر آنست، زیرا دوست داشتن دنیا که اساس نظم جهان و گردش زندگی روزمره مردم است با قرار دادن آن بعنوان مطالب اصیل و هدف منحصر بفرد، فرق دارد. پس مذمت دنیا بطور مطلق و دعوت مردم به فرو گذاردن علائق دنیوی و سرکوب کردن غرائز ملایم، بر اینکه بر خلاف فطرت و سلام سازمان حلقه میباید، از نظر منطقی قرآن هم صحیح نیست. چون قرآن مجید در همین حال به پیروان خود اجازه نمی‌دهد که بهره خود را از دنیا فراموش کنند (۳) و بطور کلی از لذات و خوشیهای این عالم چشم پیهوشند. (۴)

قرآن برای کسانی که کار نیک انجام دهند در همین دنیا پاداش معین فرموده (۵) و مال و فرزندان را ذیبت زندگی این عالم مبداند (۶).

قرآن « ابراهیم و عیسی (ع) پیغمبران در رنگ راهمانطور که از سلیمان و افرات خوشنام آن عالم مبداند از برگزیدگان و آبرومندان این جهان هم معرفی میکند (۷) .
و این خود بهترین گواه بر خوشبینی قرآن نسبت بدنیامیباشد.

(۱) سوره ابراهیم آیه ۲ - سوره رعد آیه ۲۶ - سوره نحل آیه ۷ - سوره قمر آیه ۳۸
سوره اعلی آیه ۶ - سوره روم آیه ۷

(۲) سوره قصص آیه ۷۹ - سوره عنکبوت آیه ۲۵ - سوره شوری آیه ۲۰

(۳) سوره قصص آیه ۷۶ (۴) سوره اعراف آیه ۳۱ (۵) سوره نحل آیه ۳۰

(۶) سوره کهف آیه ۴۶ (۷) سوره بقره آیه ۱۳۰ - سوره آل عمران آیه ۴۵